جُندی شاپور
فصل‌نامه تخصصی تاریخ
دانشگاه شهید چمران اهواز
سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹

پیکرک‌های مفرغی سبک مصری دوره‌ی هخامنشی موزه تخت جمشید

معصومه بختیاری[۱]

چکیده:
مجسمه‌سازی یکی از قدیمی‌ترین هنرها است. انسان‌ها قبل از نقاشی یا ساخت بناها به ساختن مجسمه می‌پرداختند. اولین ترسیم‌های مربوط به بشر مربوط به حکاکی بر روی دیواره غارها یا سطح زمین بود. این عامل به همان اندازه که به پیدایش هنر نقاشی کمک می‌کرد عامل توسعه و پیداشی هنر مجسمه‌سازی بود. از بقایای ساخته‌های مربوط به دوران ماقبل تاریخ می‌توان چنین برداشت نمود که مجسمه‌سازی در دوران ماقبل تاریخ به منظور جنبه‌های هنری و زیبایی شناختی ساخته نمی‌شده‌است. این مجسمه‌ها در قبایل مختلف برای دریافت کمک‌های معنوی و روحانی و ادامه بقا ساخته می‌شده‌است. این تنه‌های زنان، مردان، کودکان یا تلفیقی از آنها، مجسمه‌هایی برای بزرگداشت نیروهای طبیعت و عبادت این نیروها به عنوان مظاهر بدی یا خوبی بودند. تعدادی پیکرک به سبک مصری و شمایل مصری در موزه تخت جمشید وجود دارد که با بررسی نوع و سبک ساخت و تزوئین مشخص می‌شود که این پیکرک‌ها یا توسط مصریان ساکن ایران ساخته شده‌است و به حاکمان هخامنشی هدیه داده شده‌است یا اینکه در مصر ساخته شده‌است و به دربار هخامنشی منتقل شده‌است.

کلید واژه: هخامنشی، تخت جمشید، پیکرک، مصری، مفرغ.

۱. دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه آزاد تهران مرکز masumehbakhtiyari1@gmail.com

۱-مقدمه:

تاریخ دوره هخامنشیان بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی، و با استفاده از نتایج بررسی‌ها وکاوشها وتحقیقات کتابخانه ای در مجامع علمی ودانشگاهی درباره این موضوع روز به روز روشنتر وپر محتوا شده‌است. پدیدار شدن امپراطوری هخامنشیان۵۳۵ تا ۳۳۲(ق. م (وفتح مناطق گسترده‌ای از جهان واستفاده از تجربه فرهنگی وهنری بیشتر تمدنهای بزرگ منطقه به فرهنگ وتمدن ایران غنای عمیق وتکامل بخشیده‌است. یکی از تمدنهای بزرگ منطقه که تأثیرات علمی فرهنگی وهنری عمیق و تکامل دهنده‌ای بر تمدن ایران گذاشته‌است فرهنگ وتمدن کشور مصر بوده، که هنوز زوایای پنهان وناپیدای آن به دلیل عدم انجام پژوهشهای میدانی وکتابخانه ای دراین باره روشن نشده‌است.

وقتی کوروش پس فتح آسیای صغیر وبدست آوردن پیروزی بزرگ آماده تاختن وفتح بابل و مصرشد؛ ولی او کشته شد و نتوانست برنامه‌های خود را در رابطه با گسترش امپراتوری بویژه فتح مصررا عملی سازد؛ لذا تسخیر مصر توسط جانشین او کمبوجیه دنبال شد. او در پیشروی پیروزمندانه به مصر و پس از درهم شکستن آخرین مقاومت ارتش این کشور دراطراف شهر ممفیس پایتخت مصر و اسارت فرعون، پسامتیک سوم، کمبوجیه خود پادشاه وفرعون مصر شد.[۱]

دوره اول حاکمیت هخامنشیان یا بیست هفتمین سلسله که از ۵۲۵ ق. م تا سال ۴۰۴ (ق. م) بطول انجامید. در دومین دوره فرمانروایی یاسلسله سی ویکم از سال ۳۴۳ تا۳۳۳ ق. م اردشیر سوم حکومت کرد؛ و از سال ۳۳۵ ۳۳۲ ق. م داریوش سوم حکومت مصر را در اختیار داشت. شاید در زمانهای گذشته که پژوهشهای باستان‌شناسی کمتری در دوره متاخر تاریخ مصر بخصوص در رابطه با سلسله‌های ۲۲ و ۳۳ صورت گرفته بود، امکان سکوت ومبهم جلوه دادن ویا تحریف این بخش از تاریخ امپراتوری هخامنشی درمصر وجود داشته‌است. به همین دلیل مورخین یونانی بویژه هردودت در تحریف و وارونه جلوه دادن تاریخ این دوره تلاش کرده، اما امروزه با روند صعودی فعالیتهای تحقیقاتی و پژوهشی هیئتهای باستان‌شناس بویژه در رابطه با دوره متاخر مصر وکشف اشیا وکتیبه‌های مختلف وبناها ویادمانهای باستان شناختی غبار ابهام ازاین دوره تاریخی را می‌زداید. امروزه در بسیاری از موزه‌های بزرگ دنیا اشیایی از دوره متاخر تاریخ مصر به نمایش گذاشته می‌شود که در رابطه مستقیم حکومت ایرانی مصر بوده ونتایج وتحلیل داده‌ها اثبات کننده حاکمیت واقتدار ایرانیان در این بخش از دنیا بوده‌است؛ بنابراین با ادامه پژوهشهای میدانی توسط هیاتهای باستان‌شناسی وعمدتا غیر مصری یافته‌های باستان‌شناسی و اشیای تاریخی مختلفی همون سفالها واشیای تدفینی داخل قبور و مجسمه‌ها و نقش برجسته‌های مخصوص ویادمانهای

---

۱. دانداماییف، تاریخ سیاسی هخامنشیان،ص ۱۲۰.

معماری از این دوره کشف وبه عنوان مدارک مهم باستان شناختی دوره ایرانی در مصر معرفی و به اثبات رسیده‌است.[۱]

امروزه همهٔ باستان شناسان خارجی و مصری دوره‌ای از تاریخ مصر را به‌عنوان دوره‌ای هخامنشی مد نظر داشته وبه رسمیت شناخته‌اند وهر روز نسبت به گذشته اطلاعات جدیدی بر اساس کشفیات باستان‌شناسی تازه دربارهٔ این مقطع از تاریخ مصر افروده وبه دانش تاریخی بشریت اضافه کرده‌است. درایران نیز از کاوش محوطه‌های مهم هخامنشی در شوش وتخت جمشید وغیره یافته‌های باستان‌شناسی مصری کشف شده‌است که نشانتر روابط فرهنگی وهنری متقابل این دوتمدن بزرگ منطقه خاورمیانه بوده‌است.[۲]

۲-تأثیرات هنر ملل تابعه بر هنر دورهٔ هخامنشی:

در زمان هخامنشیان به نسبت سایر پیشرفتها و ترقیات، هنر مجسمه‌سازی و پیکرتراشی نیز بهتر و مترقی تر گشته و آنچه به عنوان تزیینات بناهای پاسارگاد، تخت جمشید و شوش و آرامگاه‌های نقش رستم و نقش صخره ای بیستون به دست آمده از نظر هنری و موزون بودن اجزا و سبک، همگام با پیشرفت صنعت و هنر معماری بوده و استادی هنرمندان این عصر را آشکار می‌سازد، به طوری که برخی از نویسندگان و خاورشناسان گفته‌اند: هنر مجسمه‌سازی در دورهٔ هخامنشیان از جهت یکپارچگی و جزییات و ریزه کاریها جنبهٔ ناتورالیستی داشته‌است. از بررسی و تجزیه و تحلیل آثار مختلف این دوره بر می‌آید که هنرمندان در ساخت و خلق حجاری‌ها و پیکرهای مختلف از فنون هنری کاملاً آگاهی داشته و مدتها وقت خود را صرف فرا گرفتن و تکمیل معلومات در این زمینه‌ها کرده‌اند.[۳]

ارنست هرتسفلد که حجارهای مهم را تشریح کرده‌است می‌نویسد: میزان استادی و مهارت صنعتی و همچنین وضع لباس و اسلحه ساکنین قدیم ایران را می‌توان از سه حجاری که در صخره‌های نزدیک سرپل (محلی در نزدیک قصر شیرین) ساخته شده تعیین نمود.[٤] ملاحظه و تعمق در حجاری‌های نیمه تمام نواحی مختلف دورهٔ هخامنشی می‌رساند که کارگزاران و حجاران در مواقعی که شاهنشاه در آن محل نبوده به تکمیل تزیینات و حجاری‌های ساختمان مبادرت ورزیده‌اند و در سایر موارد موقتاً کار را تعطیل کرده‌اند. حجاری‌های ظریف و زیبای کاخ تچر معلوم می‌دارد، که استادان فن در این حجاری‌ها نهایت هنر نمایی را در طراحی و استحکام و زیبایی کاخها به کار برده‌اند. حجاری‌ها و نقوش برجسته زمان هخامنشی علاقه

---

۱. بریان،.امپراتوری هخامنشی،ص ۲۹.
۲. رجبی، هزاره های گمشده ،ص ٦٥.
۳. کالیکان، باستان شناسی وتاریخ هنر در دوران مادی ها وپارسی ها،ص٦٣.
٤. خدادادیان، هخامنشی ها، ص٩٥.

ایرانیان را به حیوانات و مهارت و استادی صنعتگران را در فاصله دادن و تعیین مقیاس و اندازه‌ها و هم آهنگی و تجسم حرکت در تصاویر جمعی به خوبی نشان می‌دهد.[۱]

هنر هخامنشی، هنر درباری و متأثر از هنر ملل تابعه امپراتوری مانند بین‌النهرین، مصر، آسیای صغیر و به ویژه هنر اورارتو بوده‌است؛ نقوش برجسته دیواره‌ها و دروازه کاخها به ویژه در تخت جمشید، بیانگر نفوذ و تأثیر عناصر هنر مادی، ایلامی و بین‌النهرین (آشور و بابل) بر هنر هخامنشی است. همچنین پس از فتوحات کوروش در آسیای صغیر، هنر متعالی و ظریف یونانیان در بناهای هخامنشی به چشم می‌خورد. معماری به عنوان مهمترین هنر هخامنشیان، ابتدا تحت تأثیر معماری ماد و ایلامی قرار گرفت. همچنین تأثیر عناصر معماری اورارتویی مانند؛ آرامگاه‌های سنگی، راهروهای باریک آرامگاه‌های شاهان هخامنشی به خوبی قابل تشخیص است. از طرفی فتح مصر توسط هخامنشیان و اقامت طولانی داریوش اول در مصر علاقه‌مندی و تمایل وی به معماری مصر را در او بیدار کرد که تجلی آن در کاخ داریوش در تخت جمشید به وضوح دیده می‌شود.

به نظر می‌رسد، پارسها، بیشتر از سایر اقوام و ملل، تحت تأثیر هنر و فرهنگ مادها و ایلامیها قرار داشتند. نگاره های مسطح هخامنشی، به ویژه در تخت جمشید، رد پای نفوذ و تأثیر عناصر هنری مادی و ایلامی به دربارهای داریوش و خشایارشا، را آشکارا نشان می‌دهد.[۲] معماران ماد ممکن است خود از سبک تخت‌گاه ها و سنگ کاریهای اورارتویی اقتباس کرده باشند که در این صورت آرامگاه‌هایی تراشیده شده در صخره‌های کوه میتواند یکی از نمونه‌های اولیه آن باشد. تنها کاخ شوش، نظر به اینکه در هوای گرم جلگه قرار داشت، طبق طرح ایلامی ساخته شده است، به این صورت که در اطراف یک حیاط مرکزی اطاقهایی برای سکونت، بنا می‌کردند. از اینرو هنر ساختمانی هخامنشی، دنباله رو هنر ماد و هنر آسیای غربی است. تأثیر هنر هخامنشی از هنر اورارتویی چه از طریق مادها و چه از ارتباط دوران کوچ پارسها، غیرقابل انکار است. ردپای هنر اورارتویی در هنر هخامنشی را می‌توان به واسطه تأثیرپذیری هخامنشیان از هنر مادها به ویژه هنر زیویه دانست که خود تحت تأثیر هنر اورارتویی قرار داشتند. «هرتسفلد» معتقد است که تصویر گاو نر و ماهیت مرکب بر روی سرستونها در تخت جمشید و معماری رنگارنگ در پاسارگاد می‌تواند از اورارتوها نشأت گرفته باشد.[۳] همچنین تخته سنگهای پلکانی تخت جمشید، مطابق با تخته سنگهای اورارتویی برای حصارها و پی ریزی تراسها است. از تأثیرات معماری اورارتویی بر معماری هخامنشی

---

۱. جعفری دهقی، بازشناسی منابع ومآخذ تاریخ ایران باستان،ص۳۰.

۲. هینتس، یافته های تازهای از ایران باستان، ص ۹۳.

3. Seidl.Achaimenidische Etlehungen aus der urartäischen Kultur,Achameniden History VIII.p109.

جندی شاپور
فصل‌نامه تخصصی تاریخ
دانشگاه شهید چمران اهواز

می‌توان به آرامگاه‌های سنگی مانند آرامگاه داریوش در نقش رستم با راهرو باریک اشاره کرد که توسط معماران محلی ساخته شده و طرح و اساس آن تحت تأثیر هنر اورارتویی است.

در دوره هخامنشی باید به تأثیرات آشور و بابل و میراث بین‌النهرین نیز توجه شود. آنچه را که داریوش از معماری آرایش ساختمان در بابل آموخت، به شوش، پایتخت ایلام منتقل نمود. این شهر، کانون مهمی بود بر سرراه های تجارتی که از خلیج فارس می‌آمد. از زمان قدرت ایلامیها در این منطقه، تپه ای از خرابه‌ها به وجود آمد که بعدها، کاخ داریوش و تالار ستوندار یا آپادانای اردشیر دوم بر آن قرار گرفت.[۱] کاخ شوش، از یک آپادانا به سبک ایرانی و یک مجموعه شامل چند حیاط از نوع معماری بین‌النهرین تشکیل شده‌است که آن را به یک نوع فضای پهناور از نوع بابلی شبیه کرده است. همچنین این کاخ با آجرهای نقش برجسته و لعاب کاری شده، بیشتر از همه از یک الگوی بابلی تبعیت میکند.[۲] ساختمانهای تخت جمشید شباهت بسیار به کاخهای آشوری - بابلی دارد. با این تفاوت که در کاخهای آشوری - بابلی، حیاط، عامل تکرارشونده است که در اطراف آن اتاقهایی کم عمق ساخته می‌شده و کاخ مجموعه ای از چنین واحدهایی بوده است. به عبارت دیگر در هر چهار طرف حیاط، نقشهٔ ساختمانی واحدی پیاده می‌شده‌است. اما در تخت جمشید، حیاط از ساختمانهای گوناگونی به وجود می‌آید که در اطراف آن بنا شده و برحیاط مسلط و ارتفاع سطوح اطراف حیاط با یکدیگر در ارتباط است.[۳] نقوش نیم برجسته ردیف شده بر سنگ دیوارها در ساختمانهای تخت جمشید، هنر آشور و بابل در سده های نهم تا هفتم ق. م را به یاد می‌آورد. نقوش نامبرده؛ صفوف تشریفاتی درباریان، نگهبانان، سربازان جاویدان و خراجگزاران اقوام مختلف امپراتوری ایران را نشان می‌دهد.[٤] در حجاری شمایل داریوش نیز، تزیین تاج، ریش و قرص خورشید بالدار بالای سر داریوش از تزیینات آشوری الهام گرفته‌است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳-مجسمه سازی مصر باستان:

مجسمه‌سازی مصر باستان و درواقع تمام هنر مصر باستان همه برگرفته از عقاید این قوم به زندگی پس از مرگ است. مومیایی کردن اجساد فراعنه مصر یکی از این نمودها است. هم چنین است معابد فراعنه و پادشاهان مصر که در داخل کاخها و قصرها ساخته می‌شد و مصریان به عبادت در این مکان‌ها

---

۱. کالیکان، باستانشناسی و تاریخ هنر در دوره مادها و پارسها،ص۱۰۵.

2. Calmeyer.Babylonische und assyrische Elemente in der achaimenidischen Kunst. Achaemenid History VIII.p128.

۳. هرتسفلد، ایران در شرق باستان،ص۳۵.

٤. مرزبان، خلاصه تاریخ هنر،ص٥٦.

می‌پرداختند. مصریان بر این باور بودند که روح این اجساد مومیای می‌تواند یک روز به این اجسام برگردد. همچنین نمونه‌های از مجسمه‌های کوچک نیز وجود دارد که مصریان را در حال کشاورزی، ماهیگیری و کلاً امور روزمره زندگی نشان می‌دهد.[۱] عموماً مجسمه مومیای فراعنه و افراد مهم بزرگ‌تر ساخته می‌شد. معمولاً مجسمه سازان اعضای بدن را به صورت واضح به تصویر نشان می‌دادند و صورت‌ها معمولاً نگاه رو به جلو و واضحی داشت. مصریان همچنین بسیاری از اوقات موجودات مختلفی را در یک مجسمه با هم ترکیب می‌کردند تا بتوانند به ایده پردازی دست یابند. به عنوان مثال چهره یک پادشاه با بدن یک شیر ترکیب می‌شد تا نمادی از هوش انسانی و قدرت حیوانی باشد. مجسمه‌ها می‌توانست گاه نماد وضعیت حکومت نیز باشد. به عنوان مثال چهره‌های پادشاهان در دوران ۱۷۰۰ تا ۲۱۰۰ سال قبل از میلاد از آنچه مربوط به اجداد آنهاست غمگین تر، افتاده تر و ضعیف تر است اما با قدرت گرفتن حکومت مصر در سالهای ۱۵۶۷ الی ۱۰۸۰ قبل از میلاد این مجسمه‌ها اشکال قدرتمندتری به خود گرفته‌است. اساساً، مجسمه‌های باستانی مصر، حاکمان، اشراف را به تصویر کشیدند. مجسمه‌های خدایان و حاکمان معمولاً برای دیدن عمومی در فضاهای باز نمایش داده می‌شوند. به خصوص محبوب مجسمه ابوالهول با وجود این واقعیت است که ساخت چنین اندازه در جیزه، هر جای دیگر، و هرگز، وجود بسیاری از تکراری ریز است. کلیساها با نسخه‌های آن و دیگر حیوانات عرفانی در تقریباً تمام معابد مصر باستان دیده می‌شود. با توجه به اینکه فرعون مصر تجسم خدا بر روی زمین در نظر گرفته، عظمت و شکست ناپذیری از حاکمان مجسمه سازان خود تأکید تکنیک‌های خاص آرایش از چهره و صحنه، ابعاد آن، حالت و حرکات طراحی شده و برای انتقال خلق و خوی یا یک لحظه مجاز نیستند.[۲]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Posener, Premiere Domination Perse En Egypte, Recueil D,inscriptions Hieroglyphiques. p118.
2. Sweeney. Forever Young? The Representation of Older and Ageing Women in Ancient Egyptian Art. P84.

۴-پیکرک های مصری مخزن موزه تخت جمشید:

۱-۴-پیکرک شمارهٔ ۱:

شمارهٔ اموالی : ۳۳۰۹ وزن: ۲۲۰ گرم ابعاد: ٦ در ۱۱ سانتیمتر[۱]

این پیکرک به شکل یک مرد مصری است که ایستاده و یک دست در کنار خود و دست دیگر را جلوتر و روی پای خود قرار داده‌است. لباس این پیکرک به صورت لباس مصریان دوره هخامنشی است. نوع آرایش موی سر نیز مانند آرایش موی سر مصریان دوره هخامنشی است. به احتمال زیاد این یک پیکرک آئینی مصری است که توسط صنعتگران مصری ساخته شده و به خزانه تخت جمشید اهداء شده‌است. در ساخت این پیکرک از روش قالبی موم گمشده استفاده شده‌است.

پیکرک مصری مفرغی شمارهٔ ۱

---

۱. موزه ایران باستان.

۲-۴-پیکرک شماره۲:

شمارهٔ اموالی : ۳۱۰۲ وزن: ۲۵۵ گرم ابعاد: ۵/۵ در ۱۰ سانتیمتر[۱]

این پیکرک به شکل یک مرد مصری است که ایستاده و هر دو دست را جلوتر از بدن خود قرار داده‌است و به نوعی که دارد ادای احترام می‌کند. لباس این پیکرک به صورت لباس مصریان دوره هخامنشی است. نوع آرایش موی سر نیز مانند آرایش موی سر مصریان دوره هخامنشی است. به احتمال زیاد این یک پیکرک آئینی مصری است که توسط صنعتگران مصری ساخته شده و به خزانه تخت جمشید اهداء شده‌است. در ساخت این پیکرک از روش قالبی موم گمشده استفاده شده‌است.

پیکرک مصری مفرغی شماره۲

۱. همان.

جندی شاپور
فصل‌نامه تخصصی تاریخ
دانشگاه شهید چمران اهواز

۳-۴-پیکرک شمارهٔ ۳:

شمارهٔ اموالی : ۳۳۰۶ وزن: ۲۵۵ گرم ابعاد: ۵ در ۱۱ سانتیمتر [۱]

این پیکرک به شکل یک مرد مصری است که ایستاده و هر دو دست را جلوتر از بدن خود قرار داده‌است و به نوعی که دارد ادای احترام می‌کند. لباس این پیکرک به صورت لباس مصریان دوره هخامنشی است. نوع آرایش موی سر نیز مانند آرایش موی سر مصریان دوره هخامنشی است. به احتمال زیاد این یک پیکرک آئینی مصری است که توسط صنعتگران مصری ساخته شده و به خزانه تخت جمشید اهداء شده‌است. در ساخت این پیکرک از روش قالبی موم گمشده استفاده شده‌است.

پیکر ک مصری مفرغی شمارهٔ ۳

۱ .همان.

۴-۴-پیکرک شمارهٔ ٤:

شمارهٔ اموالی : ۲۳۰۸ وزن: ۱۹۵ گرم ابعاد: ۱۲در٤ سانتیمتر[۱]

این پیکرک به شکل یک مرد مصری است که ایستاده و یک دست در کنار خود و دست دیگر را جلوتر و روی پای خود قرار داده‌است. لباس این پیکرک به صورت لباس مصریان دوره هخامنشی است. نوع آرایش موی سر نیز مانند آرایش موی سر مصریان دوره هخامنشی است. به احتمال زیاد این یک پیکرک آئینی مصری است که توسط صنعتگران مصری ساخته شده و به خزانه تخت جمشید اهداء شده‌است. در ساخت این پیکرک از روش قالبی موم گمشده استفاده شده‌است.

پیکرک مصری مفرغی شمارهٔ ٤

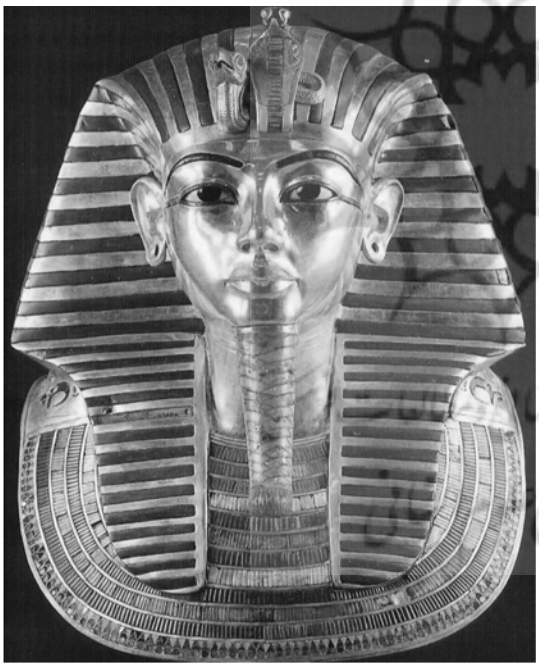

نقاب طلایی و مارنشانِ فرعون توتانخامون[۲]

۱. همان.

2. Seidel, Matthias, and Regine Schulz, Egypt, Konemann, 2005.

جندی شاپور
فصل‌نامه تخصصی تاریخ
دانشگاه شهید چمران اهواز

۵-بررسی آثار از لحاظ شیوهٔ ساخت و تزئین:

با بررسی این پیکرک‌ها نقش مار بر روی تاج آنها به خوبی مشهود است و این نشان می‌دهد که این پیکرک‌ها مربوط به فراعنه و به نوعی پیکرک‌های آئینی هستند که نقوش مار بر روی تاج‌ها و نقاب‌های فراعنه مصر نیز به فراوانی دیده شده‌است و نشان می‌دهد ارتباطی که در عیلام و بابل بین مار و قدرت قائل بوده‌اند، در آنجا نیز رواج داشته و متداول بوده‌است. در آثار و نگاره‌های بازمانده از تمدن مصر باستان، بیش از هر تمدن دیگری از عنصر مار استفاده شده‌است. قاب طلایی فرعون توتانخامون است که بر روی مومیایی او گذاشته بوده‌اند. این نقاب از آرامگاه او در شهر باستانی تِبس در جنوب مصر پیدا شده‌است. این نقاب دقیقاً به شکل چهره اصلی فرعون و زیورهای او ساخته شده‌است. چنان‌که در تصویر دیده می‌شود، دو مار زرین بر پیشانی او جای دارند که سرهای خود را به مانند نمونه بابلی و به نشانه اقتدار و بزرگی بالا آورده‌اند.[۱] تصویر مار به گونه‌های دیگری نیز در آثار مصر باستان دیده شده‌است. در اینگونه پیکرک‌ها که مار علاوه بر جایگاهی که به عنوان شوکت و اقتدار شاهانه و خدایی دارد، دارای مقام نگاهبانی نیز هست. مقامی که ارتباطی تنگاتنگ با قدرت دارد. در نمونه‌ای از این آثار، ماری دیده می‌شود که همراه با یک شاهین (نمادی دیگری از قدرت و نگاهبانی) بر بام بنایی جای دارند که ممکن است یک کاخ یا یک نیایشگاه بوده باشد.[۲] با اینکه بهره‌گیری از نقش مار به عنوان نشانه یا سرچشمه قدرت از تمدن عیلام در جنوب غربی ایران به بابل در بین‌النهرین و سپس به مصر در شمال آفریقا رفت، اما مجدداً و در آغاز دوره هخامنشی به ایران بازگشت و در آثار دوره آغازین هخامنشی جلوه‌گر شد.[۳]

در هر دوره ای برای ساخت اشیاء مخصوصاً اشیاء تزئینی مانند پیکرک‌ها از روشهای ساخت مختلف استفاده شده‌است بعضی مواقع روش ساخت ریخته‌گری رواج داشته و بعضی دوره‌ها از روش موم گمشده برای ساخت اشیاء مفرغی استفاده می‌شده‌است. پیکرک‌های مورد پژوهش به شیوه روش موم گمشده ساخته شده‌اند که با توجه به رواج این شیوه در هزاره اول قبل از میلاد در فلات ایران این نظریه که این اشیا در ایران ساخته شده‌اند محتمل تر هست.

1. Briant, Ethno-classe dominante et populations soumises dans lempire achemenide:p189-198.
2. Kaiser,.Texte aus der Umwelt des Alten Testaments.p1131.
3. Posener, Premiere Domination Perse En Egypte, Recueil D,inscriptions Hieroglyphiques .p118.

نتیجه:

در دورهٔ هخامنشی پیکرک سازی در مجموعه هنرهایی قرار گرفته که کمتر به آن پرداخته شده و تقریباً محجور مانده بود و به نسبت دیگر هنرها کمتر رشد کرد. در مجموعه موزه تخت جمشید تعداد ۵ پیکرک مفرغی وجود دارد که چهار پیکرک انسانی و یک پیکرک مربوط به یک پرنده با بالهای باز است. پیکرک‌های انسانی به مردان مصری شبیه هستند و از لحاظ نوع لباس و آرایش از نوع مصری هستند. مصریان عقیده داشتند که روح هر انسانی پس از مرگ به این جهان بر می‌گردد و برای اینکه آن روح سرگردان نشود مجسمه‌هایی از سنگ یا برنز یا چوب یا گچ می‌ساختند و در مکانهای امنی قرار می‌دادند و چون آن مجسمه‌ها کاملاً شبیه اشخاصی که مرده بودند ساخته می‌شد به عقیده آنان روح به آسانی می‌توانست در آنها جای گیرد. به احتمال زیاد این پیکرک‌ها توسط هنرمندان مصری ساخته شده و جنبه آئینی داشته و به عنوان هدیه به حاکمان هخامنشی داده شده‌اند. تمام پیکرک‌های این مجموعه به شیوه قالبی ساخته شده‌است. (جدول شماره ۱)

وجود پیکرک‌های مفرغی مصری در تخت جمشید حاکی از آن است که در دوره هخامنشی هنرمندان مصری در این مکان پیکرک‌های آئینی خود را ساخته و به حاکمان هخامنشی تقدیم کرده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جندی شاپور
فصل‌نامه تخصصی تاریخ
دانشگاه شهید چمران اهواز

موزه تخت جمشید	مورد مقایسه‌ای	توضیحات
	 پیکرک مصری یافت شده در مصر[۱]	این پیکرک‌های سبک مصری یافت شده در محوطه تخت جمشید با توجه به فرم کلی لباس و سبک‌های مختلف ایستادن و نوع تزئینات لباسها و تاج سر و همچنین نوع بافت موی سر در مقایسه‌ای که با پیکرک‌های یافت شده در مصر موجود در موزه لوور این پیکرک‌های سبک مصری یافت شده در محوطه تخت جمشید با توجه به فرم کلی لباس و سبک‌های مختلف ایستادن و نوع تزئینات لباسها و تاج سر و همچنین نوع بافت موی سر در مقایسه‌ای که با پیکرک‌های یافت شده در مصر موجود
	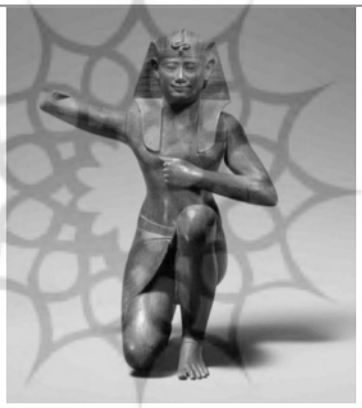 پیکرک مصری یافت شده در مصر[۲]	
	 پیکرک مصری یافت شده در مصر[۳]	

جدول شماره ۱- مقایسه پیکرک های هخامنشی موزهٔ تخت جمشید با انواع پیکرک های مصری

۱. موزه لوور.
۲. همان.
۳. همان.

منابع و مآخذ:

بریان، پیر. ***امپراتوری هخامنشی***. ترجمه مهدی سمسار. تهران: نشر زریاب، ۱۳۹۳.

جعفری دهقی، محمود. ***بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان***. تهران: نشر سمت، ۱۳۸۲.

خدادادیان، اردشیر. ***هخامنشی‌ها***. تهران: نشر به دید، ۱۳۸۱.

دانداماییف، محمد، ***تاریخ سیاسی هخامنشیان***. ترجمهٔ خشایار بهاری. تهران: نشر کارنگ، ۱۳۸۱.

رجبی، پرویز. ***هزاره‌های گمشده***. جلد دوم. تهران: نشر طوس، ۱۳۸۱.

کالیکان، ویلیام. ***باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی‌ها و پارسی‌ها***. ترجمهٔ گودرز اسعد بختیار. تهران: پازینه، ۱۳۸۵.

مرزبان، پرویز. ***خلاصهٔ تاریخ هنر***. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

موسوی، سید حسن. ***مجموعه مقالات اولین همایش روابط تمدنی ایران و آفریقا***. تهران: نشر مرکز آفریقای دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۰.

هرتسفلد، ارنست. ***ایران در شرق باستان***. ترجمهٔ همایون صنعتی زاده. تهران: پژوهشگاه مطالعات دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۱.

هینتس، والتر. ***یافته‌های تازه از ایران باستان***. ترجمهٔ پرویز رجبی. تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۵.

Briant, P. ***Ethno-classe dominante et populations soumises dans lempire achemenide; le cas d, Egypte AchHist***,1133 - 8. 2002.

Calmeyer, Peter. Babylonische und assyrische Elemente in der achaimenidischen Kunst. ***Achaemenid History VIII***. Continuity and Change. Heleen Sancisi- Weerdenburg. Amelie. 1994.

Sweeney, Deborah. "Forever Young? The Representation of Older and Ageing Women in Ancient Egyptian Art". ***Journal of the American Research Center in Egypt***. 2004.

Kaiser, Otto. ***Texte aus der Umwelt des Alten Testaments***. 1999.

Posener, G. ***Premiere Domination Perse En Egypte, Recueil D,inscriptions Hieroglyphiques***, LE GAIRE, IMPRIMEIE DE L; INTITUT FRANCAIS. 1998.

Seidl, Ursula. "Achaimenidische Etlehungen aus der urartäischen Kultur", ***Achameniden History VIII***. Continuity and Change. Leiden. 1994.